

و حدت عمل نیروهای انقلابی و تشدید مبارزه بر شرط لازم برای سرنگونی رژیم موجود است

مردم

ارگان مرکزی حزب توده ایران

روز نباد مبارزه زنان جهان و ایران

در پیکار برای حقوق صنفی، سیاسی و اجتماعی خویش! اظهاریه هیئت اجرایی کمیته مرکزی حزب توده ایران بمناسبت هشتم مارس روز بین المللی زنان

زنان گرامی میهن ما! مادران و دختران ایرانی!

امسال سالروز هشتم مارس جشن بین المللی همزمان با سال جهانی زن است که بنا به سازمان ملل متحد زیر شعار برابری - پیشرفت و صلح اسر جهان برگزار خواهد شد. اعلام سال ۱۹۷۵ یک سال جهانی زن از طرف سازمان ملل متحد آن نقش روز افزونی است که زنان در جامعه ایفاء می کنند و در کشورهای تحت ستم سرمایه ز پیش بر ستنها، رسوم، موازین و قوانین خرافی باقی که زن را از حالت یک عضو تمام عیار حقوق جامعه بیرون می آورده و می آورد و علاوه بهای موجود در جوامع سرمایه داری محرومیتها را بعنوان «زن» بر وی تحمیل میکنند. تدریج می یابند تا مقام شایسته خود را کسب کنند. مبارزه زنان ایرانی برای رهایی خود در کشور جهت تاریخی حتی از اواسط سده نوزدهم میلادی یگرده. در جنبش مشروطیت، زنان ایرانی غنی رقم بند های سنگین فئودالی و پدرسالاری توانستند خصیصیت مدنی خویش را پرور دهند. در دوران این جنبش بزرگ، زنان ایرانی بمراتب فعالتر رصه مبارزه شدند، مسئله رهایی از حجاب مسئله ز بود و مرفقی ترین بخش جامعه علی رغم و تکثیرها از آن حمایت میکرد. در این میان ت مبارزه شاعران بزرگ عصر، بهار، ایرج، و عشقی سخن گفت. در اثر آن فشار نیرومندی نیش زن ایرانی طی دهها سال بوجود آورده در زمان رضا شاه کشف حجاب (چادر برداری) خشن عملی شد. برای دولت و بورژوازی تازه

به صحنه آمده این امر از جمله برای دسترس یافتن به کار ارزانی زنان در کارخانه ها و ادارات بود. در دوران پس از جنگ دوم جهانی بهمت جنبش نیرومندی که حزب توده ایران پیشگام آن بود، جنبش زنان ایرانی باوچی بیسابقه رسید. حزب توده ایران و تشکیلات دمکراتیک زنان مسئله حقوق زن را بشکل جامع و بنیادی مطرح ساختند، یعنی برابری حقوق زنان و مردان از جهت سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و از آنجمله خانوادگی. در یک کلمه آنها خواستند که زن ایرانی عضو تام الحقوق یک جامعه آزاد باشد. رژیم کنونی که سالیان دراز کوشید نه فقط موازین اجتماعی را حفظ کند بلکه حتی گام به عقب بردارد، سرانجام در تحت فشار شرایط ایران و جهان مجبور شد دست بیک سلسله فورمهائی بزند که هدف آن ترمز کردن جنبش انقلابی جامعه و محظ مواضع سیاست و غارتگری طبقات حاکمه و امپریالیسم است. در مورد زنان نیز جنبش پر توانی که از دهها سال پیش خواستار برابری حقوق زن و مرد بود سران رژیم را مجبور کرد در این عرصه نیز گامهایی عقب نشینند. حق انتخاب کردن و انتخاب شدن را برای زنان برسمیت یشانستند و در برخی از مواد قانون مدنی تجدید نظر کنند. در مورد حق انتخاب کردن و انتخاب شدن، در شرایطی که بعلت فقدان کامل حقوق و آزادیهای دمکراتیک، این حق برای مردان هم وجود ندارد، باید گفت اقلی است پوچ که منجر به نشاندن چند زن در براری و ساواکی بر گرسیمهای مجلس و سنا شده است. در مورد اصلاحاتی که در قانون مدنی بعمل دنباله در صفحه ۲

یک سالروز تاریخی بزرگ

(به استقبال سی امین سال پیروزی بر فاشیسم)

با گستره ای وسیع و شکوهمند جشن گرفته خواهد شد. مردم و ارتش شوروی به بهای جانبازی و قهرمانی بینظیر و کار برد منابع و ذخائر مادی شگرف در تارومار ساختن آلمان هیتلری نقش فاطمی ایفاء کردند. پیکار علیه فاشیسم با منافع خلقهای سراسر جهان پیوند ناگسستنی داشت. پیروزی اتحاد شوروی در این پیکار توانائی و برتری نظام اجتماعی سوسیالیستی را بر نظام اجتماعی سرمایه داری به جهانبان نشان داد. در این پیروزی سترگ، نیروهای دموکراتیک و ترقیخواه جهان و طبقه کارگر بین المللی و بطور کلی تمام نیروهای انقلابی و آزادیخواه هر یک سهم خود را ادا کردند. نیروی ضربه ای جهان امپریالیسم در نتیجه این پیروزی درهم شکست و خطر اسارت و بردگی فاشیستی که بسیاری از ملل را تهدید میکرد از میان رفت. به همین جهت سالروز پیروزی بر فاشیسم جشنی است متعلق به همه مبارزان راه آزادی، دموکراسی و ترقی اجتماعی.

پیروزی بر فاشیسم در تاریخ جامعه بشری صفحه نوی گشود و تناسب نیروهای جهان را بیغ سوسیالیسم و بزبان امپریالیسم دگرگون ساخت و برای پیروزی انقلابهای دموکراتیک توده ای در یک سلسله از کشور های اروپای شرقی و ایجاد سیستم جهانی سوسیالیسم شرایط لازم فراهم آورد. شکست آلمان هیتلری که بمنزله ضربه مهم شکست دهنده ای بر شیوه های تروریستی مبارزه بورژوازی انحصاری علیه جنبش کارگری بود از کامیابیهای برجسته جنبه واحد کمونیستها و همه نیرو های دموکراتیک و آزادیخواه بشمار میرود. نتایج پیروزی بر آلمان هیتلری در مناطق دیگر جهان تأثیرات ثمر بخشی داشت، مؤثرترین عامل شکست قطعی امپریالیسم ژاپن بود و راه برابری پیروزی انقلابهای ملی و دموکراتیک در کره شمالی، چین و ویتنام شمالی و پیشرفت جنبش های رهایی بخش ملی در سراسر قاره آسیا هموار ساخت. دنباله در صفحه ۲

قانون بیمه های اجتماعی کارگران و لایحه جدید تأمین اجتماعی

وزیر رفاه اجتماعی ۲۲ بهمن ماه لایحه بیمه های اجتماعی کارگران را که در مجلس در جریان رسیدگی بود پس گرفت و بجای آن لایحه جدید تأمین اجتماعی را به پارلمان داد. چه قبل و چه بعد از این اقدام دستگاههای تبلیغاتی و مطبوعات وابسته به دولت سروصدای زیادی براف انداخته اند که گویا تغییرات وسیعی در مقررات بیمه های اجتماعی، بسود کارگران صورت خواهد گرفت و گویا این تغییرات موجب زندگی بهتری را برای کارگران فراهم میسازد. (اطلاعات، ۲۰ بهمن ۱۳۵۳)

در زمینه بهبود بیمه های اجتماعی، صرف نظر از بسیاری از مسائل، دو مسئله عمده در سالی اخیر مورد توجه کارگران است. اول اینکه، بعلت عمومیت نداشتن بیمه، توده عظیمی از کارگران از شمول قانون بیمه های اجتماعی برکنار مانده اند. مثلا، در حال حاضر تعداد شاغلان مزد بگیر پنج میلیون نفر است. تعداد بیمه شدگان طبق آخرین امارات، ۱۲۱۳۰۴۴ نفر میباشد. (اطلاعات، ۱۹ بهمن ۱۳۵۳) چنانکه دیده میشود ۷۵ درصد مزد بگیران از بیمه محروم مانده اند.

این در شرایطی است که افزایش عرضه نیروی کار، تشدید استثمار و استفاده بیشتر از تکنیک در تولید و خدمت، در سالیهای اخیر ضرورت حادثی برای برخورداری فاطمه کارگران از بیمه بوجود آورده است. مسئله عمده دیگر مورد توجه کارگران اینست که سازمان بیمه های اجتماعی، که طبق قانون باید با نظارت نمایندگان کارگران اداره شود، رفته رفته و بکلی از اختیار آنان خارج شده است. در سالیهای تسلط رژیم ضد کارگری، سازمان بیمه های اجتماعی به سازمانی تابع منویات دربار و احزاب دولتی بدل شده است. بویژه درآمدهای هنگفت این سازمان از محل دریافت حق بیمه، در راه باج دادن به نور چشمیهای دربار، حزب دولتی، ایرات نوین و سازمانهای امنیتی حیف و میل میگردد. خواست کارگران اینست که دولت با احیاء آزادی فعالیت سندیکائی و اتحادیه های کارگران و نمایندگان منتخب آنان امکان دهد خود بر سازمانی که متعلق به آنهاست نظارت نمایند. طبیعی است که تجدید نظر در قانون بیمه های اجتماعی دنباله در صفحه ۲

مردم پیکار جوی ایران تسلیم زور و شکنجه نخواهند شد

گرانی، تورم، کمی درآمدها، کمبود کالا های مصرفی، ریختن پاش سرسام آور یک اقلیت مرفه، رواج روز افزون دزدی و رشوه خواری در میان افراد هیئت حاکمه، حیف و میل ثروت کشور بدست شاه و ریختن آن بجهیب انحصارات اسلحه سازی، اغتاذ سیاست نظامیگری، دخالت در امور سایر کشورها و یکسختن دادن جوانان کشور بمنظور حفظ ارجاع منطقه و سرکوب جنبشها و رژیمهای مترقی، تشدید تبهکاری های سازمان امنیت و تسلط جانیان این سازمان جهنمی بر جان و مال طبقات مختلف، روز بروز نا رضایتی از رژیم را به قشرهای تازه تری از مردم سرایت میدهد. تظاهر این نارضایتی شدید را در دوران اخیر باید در تشدید مبارزات انجمنی و نمایشی کارگران دانشجویان و تظاهرات وسیع ایرانیان مقیم خارج از کشور بهنگام مسافرت زمستانی شاه به اطریح و بیوس دید. انجمنیات کارگری دامنه وسیعتری یافته است. کارگران برای بالا بردن دستمزدها، بهبود شرایط کار، تکمیل و اجرای قانون کار، تعمیم و اجرای بیمه های اجتماعی و آزادی فعالیت سیاسی و سندیکائی مبارزه میکنند. در دوران اخیر این مبارزات موجب برخورد های شدیدی میان مأموران انتظامی و کارگران شده و به زخمی شدن و توقیف دهها کارگر انجامیده است. دانشگاههای کشور نیز از چند ماه پیش باینطرف مجددا صحنه تظاهرات و انجمنیات دانشجویی بوده اند. پلیس که قبلا گارد خود را در دانشگاه تهران مستقر کرده بود، اکنون در هر دانشگاه ای لانه مکرده است. در دانشگاه تهران، دانشگاه های

مدتها بود که دستگاه تبلیغاتی محمد رضا شاه رد مداخلات مسلحانه ایران در این منطقه مهر تیر لب زده بود و در داخل کشور کوشش میشد برام واحد های نظامی ایران به قطار در پرده بماند. نام در نتیجه، توجه افکار عمومی به این جنایت اسناد و مدارک افشاگرانه و محکوم کننده ای که از حزب مائستشار یافت و اقدام مشخص رژیم را در بانداری منطقه بر ملا ساخت، روزنامه های رسمی ناگزیر شدند به این جنایت و آدمکشی رژیم، کنند و به انتشار اخبار و گزارشهایی از صحنه قطار آغاز کردند. (کجهان هوایی ۲۸ دیماه ت هوایی ۷ و ۱۰ بهمن) در یکی از این شها نوشته شده است: «سرباز ایرانی ۴ بار دیگر توجیه دنیا بر بر شدت سپاهیان سرزمین از زمان اشکانیان و هخامنشیان به این صفت شهره د جلب کند. این پایه سرائی همدش گمراه ن خاتواده های افسران و سربازان ایرانی است شول مستقیم قتل فرزندان آنها محمد رضا شاه و تجاوز و مداخله گر اوست. طبق اطلاعاتی که ما رسیده در یکی از عملیات جنگی علیه میهن قطار ۲۱ نفر سرباز و چند افسر و درجه دار کشته شده اند که سرگرد پیاده جواد حافظی سازمان اطلاعات نیروی زمینی متولد سال ۱۳۰۹ شناسنامه شماره ۵۲ و اسوار دوم توپخانه

رژیم شاه به نقش ژاندارمی خود در منطقه میبالد

صادق طابانین، معول سال ۱۲۲۵ دارای شناسنامه شماره ۵۰۰ از جمله آنها هستند. سازمان امنیت کوشیده است علت اصلی قتل آنها را از بازماندگانشان پنهان کند. مثلا مأموران ساواک که خانواده اسمعیل ببری سربازی که در قطار کشته شده است گفته اند: که فرزندشان بعلت بی احتیاطی و بر خورد با مین در پایگاه مری کشته شده است. سربازان و افسران شرافتمند ایرانی باید به این مطلب توجه کنند که مداخله گری و خ صفت ارجاع و دشمنان خلق و آزادی و ترقی قرار گرفتن سراجهای سواکی تنگ و سوائی در بر ندارد، همواره حسن تفکر و انزجار همه نیرو های ترقیخواه جهان را بر میانگیزد. این اقدام رژیم بر سیاست داخلی ضد ملی و ضد دموکراتیک، خبس و شکنجه و اعدام عناصر مهت پرست و ترقیخواه و سیاست تحریک آمیز و ماجراجویانه آن در منطقه ارتباط مستقیم دارد و هدف آن متلاشی کردن جنبش های ملی و ضد امپریالیستی در منطقه است. در گزارش زیر عنوان «بازمذکات ایرانی در جبهه های قطار» که در روزنامه های عصر انتشار یافته چنین میخوانیم: «عمان اولین کشور مری بود که بخاطر موقع استراتژیکی این در معرض تهاجم عناصر آشوب طلب مازکسیست قرار گرفت و نمیتوان انکار کرد که سرنوشت صلح وامنیست خلیج فارس و بویژه نفت آن که قسمت اعظم نیاز

دنباله پیروز باد مبارزه زنان

آمده، چنانکه خود محافل رسمی نیز گاه مجبورند اعتراف کنند و بسیاری از زنان هوادار رژیم نیز ابراز داشته‌اند، این اصلاحات جزئی زن را از چارچوب بردگی ثرون وسطانی خارج نمی‌کند.

و اما در زمینه تأمین حقوق اقتصادی، هیچ اقدامی صورت نگرفته است. زنان زحمتکش یعنی زنان کارگر و دهقان و نیز زنان روشنفکر در برابر کار مساوی یا مردان مزد و حقوق مساوی ننگارند.

بهمه محرومیهای زن ایرانی باید بهره‌کشی نواسته‌ماری امپریالیسم و غارتگری طبقات خاکمه و انواع دیگر استعماری اجتماعی را که برای همه زحمتکشان ایران وجود دارد افزود.

رژیم کثونی همیشه کوشیده است که «سلسله پهلوی» را منجی زنان ایران جلوه گر سازد و عمداً نبرد طولانی زن ایرانی و مردم ایران را بکلی مسکوت گذارد و انکار کند. رژیم با استفاده از اسلحه بی‌المللی زن سخاوتمندترین نوع تبلیغات بیا قرابت با عنوان پیش‌انیی از نیروی کار زنان ایران برای تشدید گسترش مناسبات سرمایه‌داری در روستاها و شهر استفاده نماید.

زنان ایران و به‌همراهی آنان همه‌مختصر مترقی کشور باید از هرگونه امکانی که بمناسبت سال بین‌المللی زن و تشدید مبارزه در راه برابری حقوق پدید شده و با قدرت و تدبیر استفاده کنند و با مبارزه بی‌خبر خود رژیم را وادار سازند در زمینه برابری حقوق اقتصادی و اجتماعی و سیاسی زنان ایران در جامعه و خانواده گام‌های عملی بردارند.

زنان مبارز ایران می‌توانند با حد اکثر استفاده از امکانات علمی و بکار بردن اشکال و شیوه‌های گوناگون مبارزه و با تکیه بر بهترین کشته‌ترین شعارهای محل کار، محیط زندگی و فعالیت خود، دامنه مبارزه را هرچه بیشتر بسط دهند. بی‌حقوقی زنان در خانواده و اجتماع، بی‌اعتن تجویز کننده ترین شعارها را برای جلب قشرهای وسیع زنان آسان میکنند. میلیون‌ها بطرح اینگونه شعارها، توده‌های زنان زحمتکش شهر و دهر را به صحنه مبارزه کشاند. سازمانهای موجود زنان علیه روهیری درباری - پلیسی آن عرصه ای است قانونی

برای طرح مطالبات زنان و مبارزه در راه تحقق آنها. می‌توان با استفاده از امکاناتی که سال جهانی زن عرضه کرده است، فعالیت سازمانهای موجود زنان را از چار

دنباله مردم پیکار جوی ایران

نویسندگان، شاعران، هنرمندان و ناشران شدت گرفته است. گناه آنها اینست که بوظیفه خود در قبال مردم آنگند و نمی‌خواهند به مردم پشت نموده یا دشمنان مردم بیعت کنند. دکتر غلامحسین ساعدی نویسنده‌ایکه بحق از احترام و علاقه مردم برخوردار است، پس از ماهها شکنجه و باصطلاح محاکمه، حبس طولانی محکوم شده است. فریدون تنکابنی و چندتن دیگر از اشعرا و هنرمندان اخیراً محکومیت یافته‌اند.

چند ماه پیش مأموران ساواک به محل تمرین نمایشنامه «انگل» اثر ماکسیم گورکی در تهران حمله برده و عده زیادی از هنرمندان، بازیگران و روشنفکران وابسته باجنین آثار ایران و نیز مترجم کتاب را دستگیر کرده‌اند. درجه خودسری و بیقانونی رژیم وقتی روشنتر میشود که یادآور شویم کتاب «انگل» هم برای چاپ و هم برای نمایش دارای اجازه نامه رسمی وزارت فرهنگ و هنر بوده و نمایشگر شدگان وابسته سیاسی نداشته‌اند. شایع است که ناصر رحمانی نژاد کارگردان و هنرمند جوان تأثر زیر شکنجه شدید قرار دارد. قبل از یورش بمحل تمرین نمایشنامه «انگل» عده دیگری از روشنفکران نیز بازداشت شده‌اند.

رژیم ضد ملی و ضد دموکراتیک شاه که پایگامی در میان مردم ندارد، بر سر نیزه وزندان تکیه زده‌است. مأموران ساواک را از میان منقط ترین و آخورده‌ترین افراد بر میگزیند، آنها را برای فراگیری ردیابانه‌ترین متدهای شکنجه مبارزان، به اسرائیل و امریکای مقربست و سپس باتان سفید مهر میسپارد. تا در زندان وفادار خلق را بهر وسیله ممکن به زانو در آوردند.

اما خلفای پیکارجوی ایران هرگز تسلیم زور و شکنجه نخواهند شد. امروز بیشک فرا خواهند رسید که مردم ایران انتقام خونها و داغها را باز ستانند و سنگگران را بر کرسی اتهام نشاندند. وظیفه همه مبارزان ضد رژیم است که برای سرنگونی رژیم جنایتکار کثونی و نزدیک کردن افروز، درصفت واحد مبارزه خود را تشدید کنند.

چوب اقدامات تنگ مبارزه با بیسوافی و پرداختن به امور خیریه که خواست رهبری ارتجاعی این سازمانهاست فراتر برد و با تجهیز و تشکیل توده های وسیع زنان زحمتکش این سازمانها را بشوی مبارزه عملی در راه برابری حقوق کشاند. در عین حال نباید از هیچ فرصتی برای ایجاد سازمانهای واقعی زنان غافل ماند.

زنان مبارز ایران به وعده های شاه و اشرف و قوانین توخالی دل خوش نخواهند کرد. سال زن سال تشدید مبارزه زنان در جبهه های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی برای تعدیل هرچه بیشتر نابرابریها، برای تأمین استقلال ملی و صلح است. رژیم شاه هم اکنون با اتخاذ سیاست ماجراجویانه در منطقه خلیج فارس، سرپرست هزاران خانواده را به جبهه های جنگ عمان و مرزهای ایران و عراق اعزام داشته و صدها تن از آنان را به کشتن داده است. زنان مبارز ایرانی و خانواده‌هایی که قربانی این سیاست ضد ملی هستند باید مصرأ بازگشت فرزندان شان را خواستار شوند.

شک نیست که رژیم ضد ملی و ضد دموکراتیک شاه که بنیان آن بر استبداد زحمتکشان و تبعیض طبقاتی قرار دارد، قادر نخواهد بود برابری واقعی زن و مرد را تأمین کند. زنان ایران در عین تشدید مبارزه برای عقب نشاندن رژیم، در کشور برادران خود برای روی کار آوردن یک حکومت ملی و دموکراتیک و ایجاد تحول بنیادی در جامعه مبارزه میکنند.

حزب توده ایران مانند همیشه پشتیبان بیگنر و وفادار مبارزه زنان در راه احراز برابری حقوق استقلال، دموکراسی و صلح است.

هیئت اجرایی کمیته مرکزی حزب توده ایران ۱۷ اسفند ۱۳۵۴ - هشتم مارس ۱۹۷۵

دنباله يك سالروز تاریخی بزرگ

کامیابهای مردم شوروی در جبهه‌های جنگ در همان سالهای نخست پیکار بر علیه فاشیسم، پایگاههای فاشیسم را در دیگر کشورهای جهان متزلزل ساخت. در مینهن ما ایران به دیکتاتوری بیست ساله رضا شاه پایان داده شد و امکانات وسیعی برای رشد دموکراتیک جامعه ایران پدید آمد. آزاد شدن زندانیان سیاسی و تأسیس حزب توده ایران، حزب طبقه کارگر بزرگترین پیروزی طبقه کارگر ایران بود. حزب توده ایران که بر پایه جهان بینی مارکسیسم - لنینیسم و سنن انقلابی جنبش کمونیستی در ایران تشکیل یافت از ضرورتهای تاریخی جامعه ایران بود و در مدتی کوتاه

به ستاد رزمی طبقه کارگر و دهقان و همه زحمتکشان و نیروهای میهن دوست و ترغیبخواه ایران تبدیل گردید. مبارزات و کامیابهای حزب ما در این دوره صفحات درخشان را در تاریخ جنبش کارگری میهن ما تشکیل میدهد. طبقه کارگر ایران توانست اتحادیه‌های صنفی علی خود را سازمان دهد و در شورای متحد مرکزی متشکل سازد، اوج جنبشهای ضد امپریالیستی و سراسر جهان به گسترش جنبش آزادیبخش ملی و از جمله جنبش ملی شدت صنعت نفت در ایران انجامید.

مجموعه این عوامل موجب رشد آگاهی سیاسی قشرهای مختلف جامعه گردید. روند جنبش دموکراتیک و ضد دیکتاتوری در کشور به خلفای ایران امکان داد در راه بدست آوردن حق تعیین سرنوشت و تحقق بخشیدن به آرمانهای ملی و دموکراتیک خویش در چارچوب کشور واحد بجایزه برخیزند. پیروزی جنبشهای دموکراتیک ملی در آذربایجان و کردستان، یکی از دست آوردهای بزرگ جنبش دموکراتیک همه خلفای ایران بود. حزب توده ایران با مبارزات انقلابی و دموکراتیک خود در این دوران به بزرگترین و پیگیر ترین نیروی سیاسی و اجتماعی جامعه میهن ما تبدیل شد، تاریخ گواهی میدهد که امروز هم با وجود فراز و نشیبها و ناکامیها، توطئه‌ها و خدعه های ارتجاع داخلی و مداخلات مستقیم سازمانهای جاسوسی امپریالیستی بر علیه حزب ما نتوانسته‌اند و نخواهند توانست پیوند این حزب را با طبقه کارگر و مردم زحمتکش ایران قطع کنند و حزب ما را از مبارزه ضد امپریالیستی و دموکراتیک که مبارزه در راه سرنگونی رژیم دیکتاتوری ضد ملی شرط مقدم آنست بازدارند. امروز رژیم ضد ملی محمد رضا شاه برای سرکوب عناصر میهن پرست و آزادیخواه از شیوه‌های فاشیستی استفاده میکند و در منطقه خلیج فارس نقش ژاندارم را به عهده دارد. نمونه‌های پرتقال و یونان وحیسه نشان داد که این رژیمها محکوم زوالند. در شرایط کثونی جهان نیروهای میهن پرست و ترغیبخواه

دنباله قانون بیمه های اجتماعی

که آخرین بار در سال ۱۳۳۹ تصویب مجلس رسیده از جهات بسیار دیگر نیز مورد علاقه کارگران میباشد. کارگران خواستار آن هستند که به‌همراه تعمیم بیمه های اجتماعی بر کلیه اشرار کارگران و تأمین نظارت آنها بر سازمان خود، در عین حال در جهت تکمیل بیمه‌های مختلف با در نظر گرفتن تغییرات اجتماعی و اقتصادی در قانون تجدید نظر بعمل آید.

بر پایه همین خواسته‌های کارگران بود که مجلس ناچار شد در بهمن ۱۳۴۷، در اجرای ماده الحاقی به قانون بیمه های اجتماعی، تنظیم لایحه جدیدی را به دولت توصیه نماید. چنین لایحه ای پس از یک تأخیر چهار ساله طی ۱۱۲ ماده و ۶۹ تبصره تنظیم و بالاخره در ۱۴ آذر ۱۳۵۱ تقدیم مجلس شد.

بدرینسان دیده میشود که مدت شش سال تمام است کارگران در انتظار تصویب لایحه قانون جدید بیمه‌های اجتماعی هستند. تصویب لایحه جدید بویژه از جهت مورد توجه کارگران میباشد که در آن خاطر نشان شده است: «سازمان بیمه های اجتماعی کارگران، شخصیت حقوقی و استقلال مالی و اداری دارد. و طبق مقررات آن افرادی که بهر عنوان بدستور کارفرما در مقابل دریافت حقوق یا مزد کار میکنند. و افراد بلا فصل خانواده آنان از مزایای بیمه ... استفاده خواهند کرد.» (اطلاعات، ۵ دیماه ۱۳۵۱)

انتظار کارگران آن بود که در تصویب لایحه قانون بیمه‌های اجتماعی تسریع شود. لیکن دولت بجای برآوردن این انتظار با اقدام اخیر اصولاً موضوع تصویب لایحه بیمه های اجتماعی کارگران را از دستور خارج نمود. پس گرفتن لایحه بیمه های اجتماعی کارگران از مجلس، قبل از هر چیزی به معنی طرده رفتن از تأمین خواست کارگران در زمینه بهبود برود مهم بیمه‌است. این اقدام وهم چنین تصمیم اقدام سازمان بیمه‌های اجتماعی کارگران در وزارتخانه جدید تأسیس رفاة اجتماعی هدفهای دیگری را نیز تعقیب میکند.

قانون بیمه‌های اجتماعی کارگران یک پیروزی طبقه کارگر ایرانست. این پیروزی پس از مبارزات طولانی بدست آمده و چنانکه میدانیم قانون بیمه‌های اجتماعی در دوره ملی شدن نفت تحصیل شده است. دولت ضد کارگری شاه پیوسته کوشیده است قانون بیمه‌های اجتماعی را از کارگران باز ستاند و حتی المقومر آتو بی اثر سازد. از آنجا که این تلاش تا بحال در نتیجه مبارزه کارگران بجای نرسیده اکنون مقامات دولت در صدد برآمده اند از راه مستحیل ساختن قانون بیمه‌های اجتماعی کارگران در قانون تأمین اجتماعی بهدفع خود نائل شوند.

کارگران ایران مایلند بیمه شامل همه طبقات بخصوص طبقات زحمتکش شهر و روستا گردد و برای نیل باین هدف سالهاست مبارزه میکنند. همین امر که امروز مسئله بیمه برای کلیه اقشار و طبقات اجتماع مطرح شده از نتایج مبارزه کارگران است. اگر واقعاً قصد تصمیم‌بگیر مورد همه قشرها و طبقات در میان است اینکار می‌تواند از راه تکمیل و تثبیت حقوقی که کارگران تا بحال در این زمینه بدست آورده‌اند انجام گیرد و نیاز راه منتفی ساختن قانون بیمه‌های اجتماعی کارگران و یا انجام سازمان بیمه‌های اجتماعی کارگران در وزارت رفاة اجتماعی. و از بین بردن شخصیت حقوقی و استقلال مالی و اداری این سازمان. پیداست که هدف اقدام اخیر دولت آنست که سازمان متعلق به کارگران بکلی از حیطه اختیار آنان خارج شود و موضوع نظارت نمایندگان کارگران بر این سازمان که طبق قانون موجود برسمیت شناخته شده منتفی گردد.

دولت با استفاده از اقدام جدید، تأمین اجتماعی به مجلس در عین حال در صدد برآمده است پرداخت حق بیمه بیشتری را بکارگران تحمیل نماید. طبق لایحه تأمین اجتماعی، سهم حق بیمه دریافتی از کارگران از ۵ در صد به ۷ در صد دستمزد یعنی به یکباره ۴۰ درصد افزایش داده میشود. این بار بسیار سنگینی است بدوش کارگران که هم اکنون از نظر مواجه بودن با سطح بسیار نازل دستمزد و گرانی سرسام آور توانائی آنها دارند که طومار رژیمهای دیکتاتوری ضد ملی را در هم پیچند و در برقراری اشکال دموکراتیک اداره کشور کامیاب شوند.

ح ح پژواک

دنباله رژیم شاه به نقش ...

کشورهای جهان آزاد را تأمین میکند باین : دارد که عمان بتواند امنیت خود را حفظ کند برابر دسایس نیروهای مارکسیستی و اشتیانیان کمو آنها استادگی کند، میسم است که رژیم مع شاه که تاج و تخت خود را با دخالت مستقیم و در قبال واگذاری منابع ثروت نفت میهن ما به امپریالیستی اش باز یافته ناگزیر است به تع

سویزدگی خود در برابر اربابان خویش و قا فرزندان زحمتکشان ایران را بخاطر حفظ منافع قربانی نماید. در همین گزارش گفته شده آ د سلطان قابوس از کشور های عربی برای مق شورشیان ظفار در خواست کمک کرد و بدینال کسی باین تقاضا وقتی نگذاشت سرانجام پاران آورد. طبیعی است که خلفای جهان عرب خود سالهایی مجامعی است گرم مبارزه با امپریال عمل توسعه طلب و تجاوز کار اسرائیلی را حاضر نمیشوند در کشتار برادران آزادیخواه خویش جویند. این محمد رضا شاه است که درآمدهای

نفت ایران را بجیب سازندگان جنگ افروز سر میکند تا با این جنگ افروز ها برای نگه منافع آنها و سرکوب جنبشهای مشرق آزادیخواه در منطقه، نقش ژاندارم را ایفا کند و

سلطان قابوس شتابند. روند رویداد های سالهای نشان مینهد که رژیمهای ضد خاخی و ارتجاعی رژیم سلطان قابوس و یار و یاور او محمد رضا محکوم بژوانند. در تاریخ مبارزات جنبش رهائی ملی خلفا چنین نمونه‌های درخشانی وجود دارد. م جنگی قول آسانی بزرگترین کشور امپریالیستی چهار بخاطر حفظ رژیم دست نشانده خود در ویتنام چ سرزمین هندو چین را به کشتار گاهی تبدیل کرده در برابر مبارزه سر ستخانه و حماسه آیز جبهه د رهائی بخش ویتنام جنوبی برانو در آمد و مردم د ویتنام پیروزی تاریخی بدست آوردند و درس آموزند به امپریالیسم جهانی و رژیمهای دست نشانده آن دا همانطوریکه در اعلامیه مشرک جبهه خلی برای آز عمان و حزب توده ایران خاطر نشان شده است در نتیجه پیشرفت و تحکیم هرچه بیشتر کاهش و خامت اوه بین المللی که محصول مستقیم تغییر روز افزون تنا، نیروها در صحنه جهانی. بسود سوسیالیسم و بسز امپریالیسم است آن چنان شرایط مساعدی بوجود آ است که در آن امکان تجاوزات امپریالیستی و است هر روز محدودتر و رها رسیدن به آزادی خلفای شاه میگردد. شرط اساسی برای استفاده از چنین امکان جهانی وحدت عمل کلیه نیرو های مترقی و امپریالیستی و ضد ارتجاعی در داخل هر کشور و مجموع منطقه و سراسر جهان است

ق پیروز

و بیسابقه هزینه زندگی در وضع سخت و طاقت فرس قرار دارند.

لایحه ۱۱۸ ماده ای تأمین اجتماعی چنان

باید به نفع طبقات دیگر در زمینه بیمه پاسخ نمیدهد و

خواسته‌های مشخصی را که اجرای آنها مورد علاقه ت کارگران میباشد بر نمی‌آورد. مثلا، در مورد بیمه مردم کارگران، لایحه ناظر به ایجاد چنان سازمانی نیست که متناسب با تعداد کارگران بیمه شده و حوا بهداشتی عائله آنان باشد. سازمان کثونی بیمه اجتماعی پاسخگوی یک چهارم احتیاجات درمانی بیمه‌

بیمه شدگان نیست. لایحه تأمین اجتماعی به آنکه لااقل برقع این نقائص ببرد، در مطب ه خصوصی را بکارگران بیمه شده نشان میدهد. جا اینکه در این موارد علاوه بر حق بیمه، کارگر باید ۲۰ در صد هزینه های درمانی را راساً بپردازد. کارگران ایران به مبارزه خود برای تأمین خواسته‌های خویش در زمینه بهبود بیمه های اجما ادامه میدهند. قانون بیمه های اجتماعی کارگران از عامیت برخوردار باشد و خواسته‌های کارگران را بهبود امر بیمه، بویژه خواست آنانرا در تأمین نظار مؤثر خردبر سازمان بیمه‌های اجتماعی از راه آزادی فعال سندیکائی و اتحادیه‌ای است برآورد.

م کارگر